

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی – مونشن

۱۸ جولای ۲۰۱۴

## حق الراحة يا حق الخيانة

قابل توجه همکار کمپیدای پورتال آقای «کمباور کابلی»



اگر اجازه باشد، شما را به دلیل این که هر دو در یک سایت نوشته می فرستیم، همکار خطاب نمایم ممنون خواهم شد. همکار نهایت عزیز، وقتی شعر بسیار زیبا و گویای تان را به ارتباط وکلای پارلمان دولت نشانده خواندم و به عکس ها بیشتر دقت نمودم بدین فکر افتادم تا این نکات را با شما و با خوانندگان عزیز پورتال نیز در میان گذارم، امید این تذکر مختصر فتح بابی باشد برای تعمیق بیشتر این بحث.

همکار عزیز!

شما در ابیات زیبا و پر محتوای تان بر وکیل صاحبان انتقاد نموده اید که چرا در خواب اند و گذشته از آن به مانند تمام رسانه های داخل کشور چند چندک سخت هم آنها را به خاطر تدوین و تصویب قانون «تقاعد برای خودشان» گرفته اید. اگر از من نرنجید، باید بنویسم که با این طرز دید تان به چند دلیل موافق نیستم:

۱- شما با نوشته و ارسال آن عکس، به خواب به نحوی بی احترامی نموده اید. این را ممکن خواننده باشید که حدیثی وجود دارد از پیامبر اسلام، که خواب علماء و نخبگان امت خویش را از عبادت انبیای بنی اسرائیل بالاتر معرفی نموده است. خوب وقتی پارلمان، پارلمان «جمهوری اسلامی افغانستان» باشد، و آنهم محل تجمع علماء و دانشمندی که هر یک می تواند به صد ها جنگیز و هلاکو را در آدمکشی، به صد ها شاه شجاع و ببرک را در وطن فروشی و به

هزاران شیطان را در ریا و فریب، به لکها آکاپون را در تهیه و فروش مواد مخدر تدریس نماید و الحق که همه در رشته های مجاز و به رسمیت شناخته شده از طرف «جمهوری اسلامی افغانستان» نخبه رسته خود می باشد و به یمن همین خدمات فراموش ناشدنی شان افغانستان در زمینه کشت، فروش و قاچاق مواد مخدر، آدمکشی و جنایت، فساد اخلاقی و حکومتی در تمام اشکال آن، زن ستیزی و زنها را به سزای زن بوده شان رسانیدن، مقام اول در تمام جهان را کسب نموده است، ماشاء الله همه که مسلمان هم هستند و می دانند که خواب شان آنها را از انبیای بنی اسرائیل بهتر می سازد، اگر خوابند پس چه کنند؟

شما می خواهید که آنها بیدار باشند تا چه کنند؟؟ از یک طرف خود را از فیض عظیم خواب آنها در ماه رمضان محروم سازند و از طرف دیگر بروند آدم بکشند؟؟ دزدی کنند؟؟ بچه برقصانند؟؟ مواد مخدر بفروشند؟؟ همان کار های همیشگی شان را بکنند تا باز هم کسی دیگری به مانند شما پیدا شود و آنها را که همه خوشبختانه متشرع و ظاهرالصلاح به نظر می خورند، آدمکش، دزد، قاتل، مواد فروش، قاچاقبر و از این حرفها که ماهیت آنها را باز گو می کند، معرفی دارد؟

عجب مردمی هستیم! از خواب افعی انتقاد می کنیم که چرا دیر و یا بیجا خوابیده اند و گذشته از انتقاد وی را از خواب به دسته بیدار می کنیم و وقتی بیدار شد و ما را بلعید، سروصدای ما بلند می شود، که افعی چنان کرد و چنین کرد. آقای محترم!

اگر نمی خواستی توسط افعی خورده شوی او را از خواب بیدار نمی کردی، و در عوض می کوشیدی تا به خواب ابدی بروی، خوابی که هیچ بیداری نداشته باشد.

۲- نکته دوم مسأله «تدوین و تصویب قانون تقاعد برای وکلاء» است.

من نمی دانم چرا ما مردم وقتی با کسی دشمنی پیدا کردیم، تمام کارهای خوب!!، عادلانه!!، حق طلبانه!! و منصفانه!! آنها را نیز به صفر ضرب می کنیم. آخر در کجای آن قانون می توان بی عدالتی و ظلم را مشاهده نمود؟؟ مگر نه این است که حضرات وکلای شورای «جمهوری اسلامی افغانستان»، از تمام امتیازات صرف به یک چهارم معاش قناعت نموده اند و نگفته اند که صد در صد معاش و یا هم دو چند معاش، که اگر چنین هم می کردند و به خصوص سناتوران را نیز از یاد نبرده گوشه چشمی هم «ام الفساد حاضر» یعنی شخص گزری نشان می دادند، چه کسی بود که به آنها بگوید بالای چشم تان ابروست تا چه رسد به این که، آن قانون را رد نماید؟؟

توجه به همین نکته نشان می دهد که آنها چقدر انصاف داشتند و نخواستند از مرز انصاف پای فرا تر بگذارند. انصاف را ببین، وقتی خود می دانند که در پارلمان به جای کار خوابیده اند، اصلاً بابت خواب خود چیزی نخواستند، این ربع معاش را هم بدان علت تقاضا نموده اند که حق شان بود. بیچاره ها از خواب شیرین و زیر لحاف گرم و رؤیا های دل انگیز برخاسته، چشم شان به مردم گرسنه و پای برهنه، سرکها و خانه های خراب خورده گوش شان نوای درد و رنج مردم در بند را شنیده تمام آن خیال پلو ها را در ذهن شان سوختانده به ته دیگی مبدل نموده است، تا خود را به گفته دشمنان خدا نترس «مجلس نمایندگان» به خوکدانی رسانیده اند، با تقبل چنین زحمتی مگر حق ندارند یک بر چهار معاش ناچیز شان را که بدون خرج محافظ حدود ۵۰ هزار افغانی ناچیزی شود، دریافت دارند؛ عجب چشم تنگی!

۳- از همه بالاتر، مگر من و تو پول خرج این قانونگذاران را از جیب خود می دهیم که حالا بیائیم و به آنها خرده گرفته، یکی خوابیدن شان را انتقاد کنیم و دیگری هم قانونگذاری شان را؟

همه ما می دانیم که آنها به ارتباط معاش، هیچ گونه چشم طمعی به مال و منال ما ندوخته اند- که اگر هم دوخته باشند حق پدری شان است-، بلکه در ازای خیانتی که به وطن و ظلمی که به هموطن کرده اند، اینک در صدد آنند تا «حق خیانت» خویش را به صورت دایم العمر از اشغالگران دریافت دارند. اگر چنین نکنند پس چه کنند؟؟ آنها به خوبی می

دانند که اگر قرار باشد تا آنها از کیسه مردم دریافت دارند، مردم قبل از پرداخت پول به آنها، به احترام آن که همه طی سالیان طولانی خدماتی!! را انجام داده اند، به پیرایش آنها پرداخته، در جریان کوی گشی و از بین بردن کجی و کوری شان، حد اقل هریک را ۳۰ سانتی متر کوتاه می سازند، با در نظر داشت چنین درکیست که آنها تا زمانی که خر شان می تواند بود، لحظه ای از «اخ» گفتن باز نمی ایستند. امیدوارم تا روزی که مردم به آنها «ایش» می گوید، زنده مانده و کوتاه شدن ها را شاهد باشیم .

۴- از تمام اینها گذشته، یک بار دیگر به عکسها با دقت نظراندازید و ببینید که هر سه به چه خواب نازی فرورفته اند، پیش خود قضاوت کنید آیا حیف نیست که از خواب برخیزند؟؟ و آیا با چنین خواب عمیقی حق ندارند مطالبه «حق الراحة» و یا هم «حق النوم» نمایند؟؟ و باز هم خدا را شکر کنید که آنها انصاف دارند و تا حال به صورت اختصاصی قانونی تصویب نکرده اند، که «حق المجامعة» شان از کیسه مردم پرداخت شود. زیرا هر چه نباشد آنها کلمه گوی محمد را زیاد می نمایند.

۵- من که به نوبه خود از آنها متشکرم، زیرا به من این فرصت را ارزانی داشتند تا خلاف انجیل عیسی که نوشته است، «در اول کلمه بود» بر مبنای اعمال آنها بگویم «دراول عمل بود». یعنی اگر آنها نخست در پارلمان آنهم حین ایراد سخنرانی ها نمی خوابیدند، در تمام دوران نمایندگی خیانت نمی کردند، من هیچ زمانی این فرصت را نمی یافتم تا سه اصطلاح زیبای «حق الراحة»، «حق الخيانة» و «حق المجامعة» را به فرهنگ ها بیفزایم.